

حمل و غم

عباس عبدي

خبر چهارشنبه شب تاسفآور بود. اتوبوس روزنامه نگاران در شمال غربي کشور به علت نقص فني سقوط کرد و دو تن از خانمهاي همکار و با نشاط به بيرون پرتاب و زير اتوبوس مانده و فوت کرده اند. اتوبوسي که به جاي حملونقل، آنان را حمل ولي غم را براي عزيزان و دوستانشان فرستاد. هنوز در غم از دست دادن دو دختر جوان پرشور و با نشاط و پرانرژی بوديم که خبر ديگري اين بار از جنوب کشور منتشر شد که 5 جوان سرباز معلم در حادثه ديگري دچار اين سرنوشت شده اند و پيام اين حادثه دوم چيزي نبود جز اينکه بگويد ما حادثه نيستيم، ما يك فرآيند تکرارشونده هستيم. هنوز فراموش نکرده ايم چند سال پيش حادثه مشابهي براي اتوبوس سربازان عازم به شيراز رخ داد که بازتاب گسترده اي داشت، ولي هنوز که هنوز است کسي از نتايج دقيق علت و چرایی آن اتفاق تاثيرآور اطلاعي ندارد. هميشه گريبان ضعيفترين حلقه از زنجيره خطا گرفته ميشود که راننده است. به طور قطع در بيشتر موارد راننده هم مقصر است. ولي مفهوم تقصير در يك نظام اداري متفاوت از مفهوم تقصير در يك رابطه شخصي است. در نظام اداري مقرراتي وجود دارد که مسوولان ذيربط حقوق ميگيرند تا آنها را تصويب و اجرا کنند. سلسله مراتب اداري براي اجراي دقيق همين مقررات است. مردم با رانندگان اتوبوسها يا ساير وسايل نقليه مواجه نيستند، مردم با نهادهاي حملونقل و مقررات حاکم بر آن مواجه هستند. چه کسي بايد يك اتوبوس کاملاً ايمن را براي حملونقل اجاره کند؟ چه کسي بايد بر فرآيند و اجراي ضوابط فني آن نظارت کند؟ آنان مسوولان اصلي اين ماجرا هستند. در همين ماجرا در کمتر از 24 ساعت حکم نهايي صادر شده است. مقرر نمودند کارت هوشمند راننده مقصر حادثه واژگوني وسيله نقليه به طور دايماً لغو شده و راننده مذکور ديگر مجاز به رانندگي در بخش حملونقل عمومي جاده اي نخواهد بود.

ولي اين حکم نمي تواند همه جانبه باشد، چون خطاي راننده جزيي است از يك فرآيند کلي خطاهاي پياپي که بايد به آنها پرداخته شود. عوامل اصلي بروز اين رویدادهاي تاثيرآور رانندگان نيستند، ايرادات موجود در راهها، به ويژه در استانهاي مرزي، ضعفهاي فني خودروها که عموماً فرسوده هستند و بيشتر آنها در همين مناطق فعاليت ميکنند

